


## تبیین ژئواستراتژیکی ظرفیت‌های روابط همسایگی ایران با جمهوری آذربایجان

علی ولیقلی‌زاده\* 

دانشیار، جغرافیای سیاسی، گروه پژوهشی مطالعات جغرافیای کاربردی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه مراغه، آذربایجان شرقی، ایران. رایانامه: [valigolizadeh@maragheh.ac.ir](mailto:valigolizadeh@maragheh.ac.ir)

### چکیده

ژئواستراتژی نوعی سیاست خارجی است که عمدتاً توسط عوامل جغرافیایی هدایت می‌شود. برخلاف ژئوپلیتیک که وضعیت موجود را براساس عوامل جغرافیایی مورد تبیین قرار می‌دهد، ژئواستراتژی براساس ویژگی‌های جغرافیایی که می‌توان از آنها به‌عنوان تعلقات و وابستگی‌های فضایی بحث کرد، در تعریف و هدایت استراتژی کلان کشور در سیاست خارجی، جهان‌بینی جامع و دقیق‌تری برای پیشبرد اهداف کشور در مناطق مختلف و دستیابی به موقعیت برتر و یا موقعیت برد-برد در برابر رقبای دیگر ارائه می‌دهد. هدف ژئواستراتژی، رسیدن به بالاترین و پایدارترین سطح از منافع ملی در ابعاد مختلف است. در چارچوب این دیدگاه، نتایج این پژوهش توصیفی-تحلیلی از یک سو نشان می‌دهد کشور آذربایجان در ابعاد مختلفی فرصت‌های ژئواستراتژیکی گسترده برای نفوذ و نقش‌آفرینی قدرتمند ایران در قفقاز جنوبی و نیز فراتر از آن به ارمنستان می‌آورد که چنین فرصت‌هایی را از بُعد تنوع و عمق آنها حتی به‌سختی می‌توان در بین سایر همسایگان ایران مشاهده کرد. از سوی دیگر، به‌سبب تأثیرگذاری عوامل سیاسی و ژئوپلیتیکی، برخی از فرصت‌های موجود به محدودیت تبدیل می‌شود که می‌توان بازتاب آن را در حضور ضعیف ایران در قفقاز جنوبی مشاهده کرد. بدین‌معنی که ایران به‌رغم فرصت‌های گسترده موجود، نمی‌تواند در سطح ژئواستراتژیکی برای پیشبرد منافع خود از آنها کمک بگیرد.

واژه‌های کلیدی: ایران، جمهوری آذربایجان، قفقاز جنوبی، ژئواستراتژی، روابط همسایگی

\* استناد: علی ولیقلی‌زاده، (۱۴۰۳، پاییز) «تبیین ژئواستراتژیکی ظرفیت‌های روابط همسایگی ایران با جمهوری آذربایجان» فصلنامه سیاست، ۵۴، ۳: ۵۳۹-۵۱۵. <DOI:10.22059/JFQ.2024.380141.1008197>  
تاریخ دریافت: ۲۰ تیر ۱۴۰۳، تاریخ بازنگری: ۲۰ شهریور ۱۴۰۳، تاریخ تصویب: ۱۰ مهر ۱۴۰۳، تاریخ انتشار: ۱۰ مهر ۱۴۰۳.

## ۱. مقدمه

پس از فروپاشی شوروی، پیدایش کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی سبب ایجاد مناسبات نوین اقتصادی و سیاسی در هارتلند جغرافیایی اوراسیا شد که ظهور بازارهای جدید تجاری-اقتصادی و قلمروهای نفوذ و رقابت ژئواستراتژیکی، از مهم‌ترین ویژگی‌های آن بود و در این میان، ایران به‌عنوان نزدیک‌ترین، اقتصادی‌ترین و جغرافیایی‌ترین کشور همجوار، برای برقراری مناسبات اقتصادی-تجاری با بازارهای مذکور و پیوند آنها با بازارهای جهانی، از ظرفیت‌های ژئواستراتژیکی ویژه و موقعیت همسایگی بسیار مناسبی برای تسخیر بازارهای این کشورها برخوردار بوده است.

در بین کشورهای قفقاز جنوبی، آذربایجان با دارا بودن ویژگی‌هایی مانند وسعت بیشتر، بازار اقتصادی بزرگ‌تر، منابع انرژی فسیلی، آب و خاک به‌نسبت مرغوب، توپوگرافی هموارتر، و نیز تجانس جمعیتی، قومی-زبانی و فرهنگی با شمال غرب ایران مهم‌ترین همسایه شمالی ایران شناخته می‌شود. از این رو از دیدگاه ژئواستراتژیکی، به‌سبب وجود تعلقات و وابستگی‌های جغرافیایی عمیق بین ایران و آذربایجان، موقعیت بسیار خوبی برای تعمیق همکاری‌های طرفین به‌ویژه در حوزه مناسبات اقتصادی وجود دارد. با وجود این طبق شواهد موجود ایران آنچنان‌که باید در تنظیم مناسبات سیاسی-اقتصادی خود با آذربایجان به موازات ترکیه یا روسیه موفق عمل نکرده است و از سوی دیگر، به‌هیچ‌وجه نمی‌توان از دیدگاه تعلقات ژئواستراتژیکی اهمیت این کشور برای پیشبرد سیاست خارجی و اهداف اقتصادی-تجاری ایران را نادیده گرفت. در واقع مناسبات ایران با آذربایجان از موانع سیاسی و حتی ژئوپلیتیکی مختلفی مانند عوامل مادی، ایدئولوژی و عوامل ارزشی، سرشت غیردینی رژیم آذربایجان (Kolaeei & osoli, 2017)، رژیم حقوقی دریای خزر (Abbasi & Mousavi, 2012)، نگرش امنیتی طرفین (Chabaki, 2008)، جایگاه رژیم صهیونیستی (Mousavi & Toti, 2017)، نوع رژیم سیاسی، تلقی‌های ذهنی و ایدئولوژی سیاسی و نفوذ فزاینده بازیگران غیربومی در آذربایجان (Gholizadeh & Kafash Jamshid, 2013)، بدبینی به یکدیگر، موضوع قره‌باغ (Shamsini & Farhand, 2016)، تعارض ملی‌گرایی (Valigholizadeh, 2011)؛ ولیقلی‌زاده، ۱۳۹۰)، مداخلات غرب (Jajani et al., 2021)، جایگاه ارمنستان (Abbaszadeh Fathabadi et al., 2021) و غیره رنج می‌برد که در ماهیت نقش‌آفرینی ایران و استفاده از ظرفیت‌های موجود تأثیرگذارند.

با وجود این دو کشور می‌توانند ضمن انعطاف‌پذیری و رعایت احترام متقابل و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر و جلوگیری از ورود جریان‌های مخالف در روابط طرفین و تک‌صدایی در سیاست خارجی و حذف جریان‌های مخرب، نقش‌آفرینی مؤثری در همسایگی

خود ایفا کنند (Amir Ahmadian, 2024). در واقع ایران برای کسب جایگاه واقعی همسایگی خود در منطقه، در کنار تعمیق مناسباتش با سایر همسایگانش (به‌ویژه ارمنستان)، برای تعمیق مناسبات خود با آذربایجان از ظرفیت‌ها و تعلقات ژئواستراتژیکی خاصی بهره می‌برد که در این تحقیق سعی می‌شود این ویژگی‌های ژئواستراتژیکی تبیین شود.

سؤال اصلی تحقیق این است که از دیدگاه ژئواستراتژیکی در روابط همسایگی ایران با آذربایجان چه ظرفیت‌هایی برای پیشبرد یک راهبرد موفق در برابر رقبای دیگر وجود دارد؟

## ۲. روش تحقیق

در این تحقیق که ماهیت و رویکرد کیفی دارد، سعی می‌شود با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، و نیز با کمک اطلاعات و بینش نظری کتابخانه‌ای، با ارائه ارزیابی‌های ژئواستراتژیکی، فرصت‌های ژئواستراتژیکی آذربایجان در بُعد ویژگی‌های جغرافیایی برای نقش‌آفرینی مؤثرتر و پررنگ‌تر ایران در قفقاز جنوبی تبیین شود. از دیدگاه روش‌شناسی، دلیل استفاده از اصطلاح ژئواستراتژی برای تبیین اهمیت موضوع به این امر برمی‌گردد که بر خلاف ژئوپلیتیک که وضعیت موجود را بر اساس عوامل جغرافیایی تبیین می‌کند، ژئواستراتژی بر اساس ویژگی‌های مذکور، راهبرد کلان کشور را مشخص می‌کند.

## ۳. چارچوب نظری بحث

ژئواستراتژی نوعی سیاست خارجی است که اغلب از طریق عوامل جغرافیایی هدایت می‌شود. در ژئواستراتژی، عوامل جغرافیایی به راهبردهای سیاست خارجی شکل می‌دهند و گاهی نیز محدودیت‌آفرین هستند یا به‌نوعی بر راهبردهای سیاست خارجی تأثیر می‌گذارند (Garafano, 2004). در ژئواستراتژی، به همان اندازه که سرنوشت کشور با جغرافیا گره خورده است، درهم‌تنیدگی عمیقی بین راهبرد و جغرافیا وجود دارد و جغرافیا مادر راهبرد تلقی می‌شود (Gray, 1999: 3).

از این رو ژئواستراتژی با زمینه شکل‌گیری آن از جمله ویژگی‌های مختلف جغرافیایی، انگیزه‌های ریشه‌دار تاریخی، قدرت منابع کشور، مقیاس اهداف کشور، جغرافیای سیاسی روز، و عوامل تکنولوژیکی که بر ترتیبات و تعاملات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی تأثیر می‌گذارد، ارتباط مستقیمی دارد. ژئواستراتژی در تجویز، از سیاست خارجی مبتنی بر عوامل جغرافیایی و تاریخی حمایت می‌کند؛ در تحلیل به تشریح و تبیین نقش جغرافیا و تاریخ در شکل‌دهی به سیاست خارجی می‌پردازد و در حوزه آینده‌نگری نیز تصمیمات و نتایج سیاست خارجی آینده کشور را پیش‌بینی می‌کند (Center for Strategic and International Studies).

بیشتر تعاریف ژئواستراتژی بر ادغام ملاحظات استراتژیکی با عوامل ژئوپلیتیکی تأکید دارند. با اینکه ژئوپلیتیک ظاهراً خنثی است، یعنی ویژگی‌های جغرافیایی و سیاسی مناطق، به‌ویژه تأثیر جغرافیا بر سیاست را بررسی می‌کند، ولی ژئواستراتژی به برنامه‌ریزی جامع‌تر، تعیین ابزارهای مرتبط برای دستیابی به اهداف ملی یا تضمین منافع مختلف سیاسی، اقتصادی و غیره می‌پردازد.

این اصطلاح اولین بار توسط فردریک ال. شومان (۱۹۴۲) در مقاله «بیباید ژئوپلیتیک خود را دریابیم» به کار رفته است. استفاده او ترجمه اصطلاح آلمانی «ژئوپلیتیک دفاعی» بود که ژئواستراتژیست آلمانی، کارل هاوس هوفر از آن استفاده کرده بود. موارد قبلی نیز بر استفاده از ترجمه «ژئوپلیتیک دفاعی» اشاره می‌کنند. رابرت اشتراوس هوپه نیز «ژئوپلیتیک جنگ» را به‌عنوان یک ترجمه جایگزین ابداع و رایج کرده بود (Gyorgy, 1943).

امروزه ژئواستراتژی در خصوص اعمال قدرت و نفوذ بر فضاهای حیاتی، برای رسیدن به حضور سیاسی مؤثر و قدرتمند در نظام بین‌الملل بحث می‌کند. هدف ژئواستراتژی، افزایش امنیت و کارایی روزافزون و نیز ایجاد فضای مساعد برای کشور در نظام بین‌الملل است. از این رو ژئواستراتژی به‌جای شکل‌پذیری، شکل می‌دهد. ژئواستراتژی درباره تضمین دسترسی به راه‌های ویژه تجاری، گلوگاه‌های راهبردی، رودخانه‌ها، جزایر و دریاها بحث می‌کند. این امر به همکاری‌های گسترده با سایر قدرت‌های بزرگ که اهداف مشترکی با آن کشور دارند یا با «کشورهای کلیدی» کوچک‌تر که در مناطق مهم برای آن کشور قرار دارند، نیاز دارد (Rogers & Simón, 2010).

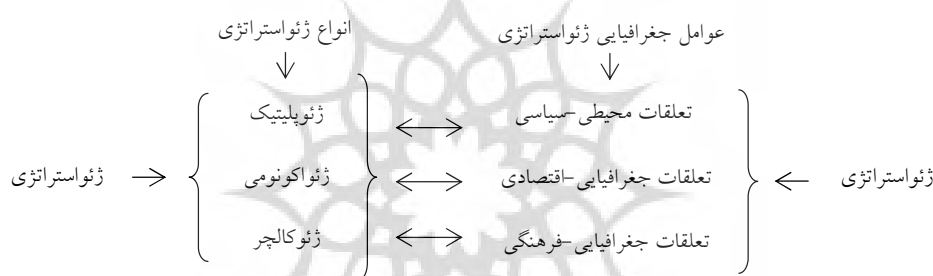
از نظر برژنسیکی (۱۹۸۶)، ژئواستراتژی ملاحظات راهبردی را با ژئوپلیتیکی درمی‌آمیزد. برای نمونه ژئواستراتژی اوراسیایی ایالات متحده درباره مدیریت هدفمند کشورهای پویای ژئواستراتژیکی و کنترل دقیق‌تر کشورهای کاتالیزور ژئوپلیتیکی، برای دفاع از منافع و قدرت جهانی آمریکا در کوتاه‌مدت و بسترسازی برای همکاری‌های فزاینده و نهادینه جهانی در بلندمدت بحث می‌کند.

بر خلاف ژئوپلیتیک که فقط نقش ویژگی‌های جغرافیایی در سیاست خارجی کشور را تبیین می‌کند، ژئواستراتژی قلمروهایی را مشخص می‌سازد که تسلط بر آنها، زمینه را برای ایجاد نفوذ و تلاش برای نفوذ گسترده‌تر فراهم می‌کند (Strategics Team, 2021).

ژئواستراتژی مشخص می‌کند یک کشور کجا باید تلاش‌هایش را در ابعاد مختلف نظامی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و دیپلماتیکی متمرکز کند. فرض اصلی این است که کشورها منابع محدودی دارند و نمی‌توانند حتی اگر بخواهند یک سیاست خارجی تمام‌عیار را به نمایش بگذارند. بر عکس آنها می‌توانند در ابعاد نظامی، سیاسی و اقتصادی (مانند چین) بر مناطق

خاصی از جهان متمرکز شوند. با وجود این، ژئواستراتژی لزوماً از طریق عوامل جغرافیایی یا ژئوپلیتیکی ایجاد و هدایت نمی‌شود. یک کشور ممکن است به دلایل ایدئولوژیکی، گروه‌های ذینفع و یا صرفاً به اراده رهبر خود، قدرت را در مکان خاصی به نمایش بگذارد (Grygiel, 2006: 23).

در ادبیات موجود، از «ژئواستراتژی» اغلب برای تبیین سیاست قدرت در مقیاس جهانی استفاده می‌شود (Joo-Jock, 1979: 4)، ولی در این مبحث، ژئواستراتژی در یک قلمرو محدودتر برای تبیین اهمیت عوامل جغرافیایی در پیشبرد سیاست قدرت و استراتژی کلان سیاست خارجی به کار می‌رود. از این رو ژئواستراتژی در قدرت نفوذ یا ضعف کشور در برابر رقبا و مداخله برای تغییر برنامه‌ریزی راهبردی و نیز سرمایه‌گذاری‌های سیاسی و غیره نقش بسیار حیاتی ایفا می‌کند.



شکل ۱. مدل مفهومی ژئواستراتژی (ترسیم از نویسنده)

در مجموع، طبق مدل مفهومی تحقیق، تبیین جامع ژئواستراتژی از تجمیع عناصر مختلف جغرافیایی در ژئواستراتژی منشأ می‌گیرد. از این رو در ژئواستراتژی، همان‌طور که لوتواک (۱۹۹۰) و نیز ایو لاکوست (۱۹۹۷) اشاره می‌کنند، بر اساس عناصر جغرافیایی تأثیرگذار، انواع متفاوت و در ضمن مرتبط و مکمل ژئواستراتژی (ژئوپلیتیکی، ژئوآکونومیکی و ژئوکالچرال) در کنار یکدیگر مطرح هستند و این نقش ژئواستراتژی را در تبیین راهبرد کلان کشور تبیین می‌کند (Luttwak, 1990).

### ۳. یافته‌ها

#### ظرفیت‌های ژئواستراتژیکی روابط همسایگی ایران با کشور آذربایجان

همان‌طور که گفته شد، ژئواستراتژی با تکیه بر ویژگی‌های جغرافیایی (تعلقات و وابستگی‌های فضایی)، در تعریف و هدایت سیاست خارجی کشور، جهان‌بینی جامع و دقیقی برای پیشبرد

اهداف کشور در مناطق مختلف و دستیابی به موقعیت برتر و یا برد-برد در برابر رقبای دیگر ارائه می‌دهد. هدف ژئواستراتژی، رسیدن به بالاترین و پایدارترین سطح از منافع ملی در ابعاد مختلف است. ژئواستراتژی در تبیین سیاست خارجی ایران در مناطق همجوار از جمله قفقاز جنوبی بیان می‌کند که چگونه می‌توان از عوامل جغرافیایی (تعلقات و وابستگی‌های فضایی، اشتراکات فضایی، جغرافیاهای معنوی و تاریخی، استفاده از آیکنوگرافی برای غلبه بر سیرکولاسیون) برای تأثیرگذاری بیشتر در این مناطق استفاده کرد و یا بر عکس، به رقیب و حتی دشمنان میدان داد. در ژئواستراتژی موفق، هدف از تأثیرگذار بودن شکل مثبت آن است. بدین معنی که کشور بازیگر، علاوه بر تلاش برای کسب حداکثر منافع خود، می‌تواند نقش سازنده در روند تحولات جمعی ایفا کند که بیشترین بهره آن ابتدا برای آن کشور و سپس برای سایر بازیگران همجوار و بومی خواهد بود. نقش‌آفرینی غیرسازنده نیز می‌تواند بسترهای ورود بازیگران غیربومی را در میدان رقابت فراهم کند که به‌طور معمول چنین حضورهایی با منافع بازیگران بومی و همجوار در تقابل هستند. برای نمونه به‌راحتی می‌توان غیرسازنده بودن تلاش‌های بازیگران غیربومی را مانند فرانسه، ایالات متحده و اسرائیل برای قفقاز جنوبی و کشورهای همجوار مشاهده کرد. در واقع می‌توان بارزترین تأثیرات منفی اقدام‌های آنها را در واگرایی و به‌نوعی غلبه سیرکولاسیون بر آیکنوگرافی در قفقاز جنوبی و بین آن و همسایگان قدرتمند آن مانند ایران و ترکیه و نیز تشدید واگرایی بین همسایگان آن مشاهده کرد. از نگاه ژئواستراتژی، قفقاز جنوبی برای همسایگان آن ابتدا محل تعمیق دوستی، همگرایی، همکاری‌های بومی و همسایگی است، زیرا تعلقات جغرافیایی که حضور ایران را در قفقاز جنوبی توجیه می‌کند و به آیکنوگرافی دوجانبه شکل می‌دهد، به‌نوعی حضور سایر همسایگان قدرتمند و مهم را نیز مانند روسیه و ترکیه توجیه می‌کند. این تعلقات جغرافیایی حتی به بسترهای همگرایی بین این بازیگران رقیب نیز اشاره می‌کنند که این نوع همگرایی می‌تواند در چارچوب راهبرد برد-برد (رقابت سازنده) و شکل‌دهی به آیکنوگرافی جمعی (وابستگی‌های متقابل) تکمیل شود که چنین چیزی مشاهده نمی‌شود و تعارضات بین ایران، ترکیه و روسیه به‌شدت سیرکولاسیون جمعی را در قفقاز جنوبی تقویت می‌کند.

با وجود این در ژئواستراتژی تمامی کشورهای رقیب سعی دارند به‌نوعی از فرصت‌های موجود استفاده کنند که در میدان رقابت، کشوری از حضور گسترده و موفق برخوردار خواهد بود که بتواند از فرصت‌های موجود بیشترین بهره را ببرد. در ژئواستراتژی، اگر کشوری نتواند به‌دلیل ملاحظات ژئوپلیتیکی، سیاسی و ایدئولوژیکی و غیره از ظرفیت‌های خود در یک قلمرو ژئواستراتژیکی (دارای اهمیت ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیک، ژئوکالچرال و...) همجوار استفاده کند و حتی به شیوخ غیرمؤثر عمل کند، در واقع به‌طور ناخواسته رقیب و دشمنان خود را به

قلمرو یا دایره نفوذ واقعی خود (حیاط خلوت و یا عمق ژئواستراتژیکی / جغرافیای معنوی خود که حق آب و گل دارد) وارد می‌کند و در عمل ابتکار عمل در نقش‌آفرینی برون‌مرزی مؤثر در همسایگی خود را از دست می‌دهد و این امر حتی گاهی به مداخلات بیرونی در امور داخلی منجر می‌شود.

در تبیین ژئواستراتژیکی سیاست خارجی ایران در قفقاز جنوبی و حتی در میان سایر همسایگان ایران، به‌نوعی می‌توان آذربایجان را تلخ‌ترین تجربه ژئواستراتژیکی ایران در همسایگی خود تلقی کرد. این تجربه تلخ در دو بُعد «فرصت‌سوزی» و «تهدیدسازی» خود را نشان می‌دهد.

کشور آذربایجان در میان همسایگان ایران، ویژگی‌های ژئواستراتژیکی خاصی برای ایران به‌همراه دارد که در میان سایر همسایگان ایران تا حدودی کمتر مشاهده می‌شوند. این سخن به معنی انکار ویژگی‌های ژئواستراتژیکی سایر همسایگان ایران نیست. این کشور، همان‌طور که در ادامه تبیین می‌شود، تقریباً در تمامی ویژگی‌هایی ژئواستراتژیکی (توپوگرافی جغرافیایی، ارتباط همزمان زمینی-آبی، جغرافیای تاریخی، جغرافیای فرهنگی (زبانی-مذهب)، جغرافیای اقتصادی و تجارت و ...)، عمق و مکمل ژئواستراتژیکی ایران را شکل می‌دهد و حتی از بُعد ویژگی‌های ژئواستراتژیکی به‌نوعی می‌توان آذربایجان را در غیاب مرزهای ساحلی جنوب ایران، بامزیت‌ترین دروازه ارتباطی-مواصلاتی ایران با بیرون تلقی کرد که این امر در روابط خارجی ایران عینیت ندارد. این ارتباط، از بُعد مناسبات ایران با روسیه و نیز نقش‌آفرینی ایران در کریدور ارتباطی شمال-جنوب نیز مورد توجه ویژه قرار دارد.

#### ۴. ظرفیت‌های محیطی (جغرافیایی) - سیاسی (ژئوپلیتیکی)

در فضای بسیار حیاتی، رقابتی و ژئواستراتژیکی قفقاز جنوبی، یکی از مهم‌ترین مزیت‌هایی که آذربایجان به‌عنوان مهم‌ترین کشور منطقه برای ایران به‌همراه دارد، گستره و توپوگرافی جغرافیایی و نیز سیاسی (از لحاظ برقراری ارتباط مستقیم با روسیه) بسیار مساعد این کشور برای برقراری ارتباطات برون‌مرزی از مسیر مذکور است. با رجوع به نقشه توپوگرافی جغرافیایی و سیاسی مشخص می‌شود چنین موقعیتی را نه ارمنستان می‌تواند برای ایران مهیا سازد و نه ارمنستان و گرجستان برای ترکیه و حتی گرجستان و آذربایجان برای روسیه چنین مزیت و موقعیت مواصلاتی را فراهم نمی‌کنند. ایران با ارمنستان مرز بسیار کوتاهی دارد که این مرز و حتی توپوگرافی جغرافیایی دشوار ارمنستان آنچنان نمی‌تواند مسیر ارتباطی-مواصلاتی مطمئن، مؤثر و مساعدی برای ایران و ورود این کشور به بازارهای بین‌المللی از طریق قفقاز جنوبی (محل تلاقی کریدورهای ارتباطی و دروازه ورودی و خروجی اوراسیا) فراهم کند.

به‌ویژه اینکه یکی از مهم‌ترین راهبردهایی که ایران در منطقه پیگیری می‌کند، اجرای کامل و رونق کریدور شمال-جنوب است که در اقتصاد جهانی اهمیت ژئواکونومیکی زیادی برای ارتباط بین غول‌های اقتصادی روسیه-اروپا و هند از مسیر ترانزیتی ایران دارد. از این رو برای تحقق چنین طرحی نمی‌توان فقط روی گستره و توپوگرافی نامساعد و ضعیف ارمنستان سرمایه‌گذاری کرد (این بحث به معنای کنار گذاشتن مسیر ارمنستان نیست و بازیگران موفق همواره سعی می‌کنند برای انعطاف‌پذیری ژئواستراتژیکی شریان‌های ارتباطی خود را متنوع‌تر کنند). علاوه بر این، مسیر ارمنستان با مانع ژئوپلیتیکی و سیاسی دیگری نیز مواجه است. ارمنستان علاوه بر مشکلات سیاسی - ژئوپلیتیکی با آذربایجان و ترکیه، با گرجستان نیز اختلاف‌های ژئوپلیتیکی دارد و از طرف دیگر، گرجستان نیز به‌عنوان مهره مکمل پازل مسیر ارمنستان، مشکلات ژئوپلیتیکی و سیاسی عمیقی با روسیه دارد که این موضوع آینده کریدور شمال-جنوب را از مسیر ارمنستان دچار ابهام می‌کند. این مسیر، حتی در آینده میان‌مدت (و شاید بلندمدت) در مسیر شمال-جنوب پتانسیل ضعیفی برای ارتباط ریلی ایران دارد، مگر از طریق برقراری مجدد ارتباطات ریلی جلفا با ایروان که به حل اختلاف‌های آذربایجان و ارمنستان و نیز توافقات جمعی درباره ملاحظات ژئوپلیتیکی-ژئواکونومیکی در قفقاز جنوبی و همسایگی آن بستگی دارد. با وجود این، مسیر آذربایجان برای ایران و به‌ویژه رونق کریدور شمال-جنوب مزیت‌های خاصی ارائه می‌دهد. این مسیر علاوه بر گستره و توپوگرافی جغرافیایی - سیاسی، در زمینه اقتصادی و فرهنگی نیز از مزیت‌های هم‌تکمیلی بهره می‌برد. در واقع طولانی‌ترین مرزهای جنوبی قفقاز جنوبی به مرزهای ایران و آذربایجان تعلق دارد. آذربایجان از نظر گستره و توپوگرافی جغرافیایی، فراخ‌ترین گستره جغرافیایی و هموارترین (موقعیت جلگه‌ای این کشور) مسیر ارتباطی را برای پیوند ایران با منطقه و فراتر از آن و نیز ارتباطات بین غول‌های اقتصادی روسیه-اروپا و هند فراهم می‌کند که در منطقه چنین مسیر گسترده و هموار حتی برای ترکیه وجود ندارد. همچنین آذربایجان از لحاظ توپوگرافی سیاسی معبر مواصلاتی مستقیم برای ایران با روسیه و اوراسیا محسوب می‌شود. دیگر مزیت بسیار مهم این مسیر برای ایران، پتانسیل ارتباطات همزمان جاده‌ای، ریلی و آبی است که آذربایجان می‌تواند در هر سه حوزه، مسیر ترانزیتی ایران را به داخل اوراسیا (ارتباطات شمال-جنوب) پیوند دهد.

۱. ایران و ارمنستان در ۲۰۰۹ قرارداد ساخت مسیر ریلی «مرد-نوردوز-مقری-ایروان» را امضا کردند که به‌سبب کوهستانی بودن مسیر ریلی در داخل ارمنستان و نیاز به احداث ۸۶ پل و ۶۰ تونل، هزینه ساخت این مسیر ۴۷۰ کیلومتری در حدود ۵۳ میلیارد دلار برآورد شده بود که تأمین آن از توان ارمنستان خارج بود، و حتی ارمنستان مذاکرات متعددی را با چین برای سرمایه‌گذاری در این پروژه انجام داد که بدون نتیجه بود (Kozegar Koleji, 2022).



حتی در دوره شوروی، بخش عمده مناسبات تجاری - اقتصادی ایران با شوروی، اروپای شرقی و نیز حوزه اسکاندیناوی از طریق مسیر آذربایجان و با مرکزیت جلفا انجام می‌گرفت.<sup>۱</sup> در آن زمان جلفا از طریق ارتباط ریلی نخجوان، ایروان و تفلیس به بنادر دریای سیاه وصل بود. از این رو بازگشایی خط ریلی مذکور، سهل‌ترین و ارزان‌ترین راه دسترسی ایران به بازارهای اقتصادی اوراسیا و اروپا خواهد بود (Kozegar Koleji, 2022). دیگر گزینه محتمل برای این بازگشایی، با برقراری ارتباط ریلی بین ایران-آذربایجان-ترکیه تعریف می‌شود که می‌تواند جلفا را از مسیر نخجوان به قارص پیوند دهد (Valigholizadeh, 2011: 129). در این زمینه، حتی می‌توان به ظرفیت کریدور زنگه‌زور برای بازگشایی این انسداد ارتباطی اشاره کرد. با وجود نگرانی‌های ژئوپلیتیکی ایران، این کریدور با حضور ایران و اعتمادسازی ژئوپلیتیکی طرف مقابل می‌تواند در کنار تسهیل و تقویت پیوستگی‌های متقابل منطقه‌ای و نیز شکل‌دهی به نوعی آیکونوگرافی ژئواستراتژیکی در قفقاز جنوبی و همسایگی آن، گره کور ارتباطات فرامرزی ایران را از مسیر مذکور بگشاید.

بدون تردید اگر ایران بتواند این موضوع را فارغ از فرمول کریدور زنگه‌زور - برقراری ارتباطات آزاد بین آذربایجان و نخجوان که تفسیرهای متفاوتی در مورد آن وجود دارد، از جمله بازگشایی راه‌های ارتباطی، گذرگاه یا دالان زنگه‌زور و کریدور زنگه‌زور و حتی برخی به‌اشتباه ترکیه را نیز در آن جای می‌دهند (Chedia, 2024) - که از طرف آذربایجان، ترکیه و روسیه مطرح می‌شود و ظاهراً ارمنستان نیز در توافق‌نامه آتش‌بس آن را پذیرفته (website of the president of Russia, 2020)، حل کند و گره کور مناسبات پرتنش بین آذربایجان و ارمنستان را بگشاید، می‌تواند در قفقاز جنوبی ابتکار عمل را در اختیار گیرد. ولی طبق معادلات کنونی منطقه این سناریو شانس زیادی ندارد. از طرف دیگر، ادامه روند کنونی و انسداد در ارتباطات تجاری، بیشترین آسیب را بر ایران و ارمنستان تحمیل می‌کند و هر دو کشور را از مسیر تحولات ژئواکونومیکی کنونی و آینده منطقه و ماورای آن در تجارت جهانی دور می‌کند. همچنین در موقعیت کنونی منطقه که ظاهراً آذربایجان و ترکیه از نفوذ زیادی برخوردارند، به نظر می‌رسد تبدیل کریدور زنگه‌زور به یک گره کور و کشمکش سیاسی - ژئوپلیتیکی بین ایران و آذربایجان، بیشتر به مناسبات طرفین که همواره روند سینوسی دارد، آسیب می‌رساند و این موضوع برای کریدور شمال-جنوب عقب‌گرد ژئواکونومیکی تلقی می‌شود. ولی از دیدگاه ژئواستراتژیکی، این موضوع برای ایران نیز پذیرفته نیست و در تبیین نوع موضع‌گیری تهران

۱. عمده واردات و ترانزیت ما قبل از فروپاشی شوروی، از مسیر جلفا بود. اگر ایران بتواند با همکاری روسیه و کشورهای همجوار خط ریلی جلفا را دوباره احیا کند، ایران بدون نیاز به عبور از کشورهای دیگر می‌تواند خود را به بازارهای اروپا وصل کند (Aiqarlu, 2019).

در برابر کریدور مذکور می‌توان گفت ایران می‌تواند علاوه بر جلوگیری از جاه‌طلبی‌های ژئواستراتژیکی رقیب و اطمینان در برابر نگرانی‌های ژئوپلیتیکی خود، تا حد ممکن امتیازهای مهمی از رقیب (برای مثال استفاده از سرمایه‌گذاری آذربایجان در کریدور شمال-جنوب) بگیرد و نفوذ خود را در آینده این کریدور ارتباطی-اقتصادی محتمل تحکیم بخشد.

در برابر نگرانی‌های موجود درباره آثار منفی این کریدور برای دور زدن مسیر ایران در برقراری ارتباط آذربایجان-نخجوان و نادیدن گرفتن ایران و نیز حذف مرز ایران با ارمنستان<sup>۱</sup> - تغییرات ژئوپلیتیکی - (Bahman, 2021; Naseri & Shakuri, 2024; Fathulahi, 2023)، اگرچه یک کریدور، گذرگاه یا دالان مواصلاتی با کارایی ارتباط آزاد گمرکی-ترانزیتی (صرفاً اقتصادی)، پدیده فضایی متفاوتی شناخته می‌شود، ولی اگر در چارچوب حقوقی مرزهای رسمی ارمنستان تعریف شود، نمی‌تواند به‌عنوان یک پدیده فضایی سیاسی مرز ایران-ارمنستان را حذف کند.<sup>۲</sup> علاوه بر این، جایگزینی مسیر ایران و یا ایجاد کریدور موازی از طریق مسیر ایران (کریدور ارس) نمی‌تواند فلسفه کریدور زنگه‌زور را توجیه کند. از دیدگاه ژئواستراتژیکی، این کریدور فارغ از برقراری ارتباط مستقیم ترانزیتی بین آذربایجان و نخجوان-ترکیه، بستر مناسبی برای همگرایی ارمنستان در قفقاز جنوبی و برقراری صلح پایدار با آذربایجان و ترکیه (اگرچه در ظاهر این کریدور منفعت اقتصادی خاصی برای ارمنستان

۱. طبق اظهارات محسن پاک‌آیین (۱۴۰۰)، سفیر اسبق ایران در آذربایجان، حتی اگر ارتباط آذربایجان از مسیر زنگور به نخجوان برقرار شود، آذربایجان از مسیر ایران صرف‌نظر نخواهد کرد. زیرا تعداد مسیرهای ترانزیتی برای هر کشوری مزیت است. مسیر زونگور در مواقعی می‌تواند به‌سبب شرایط جوی مسدود شود و صرف‌نظر از مسیر ایران نیز می‌تواند برای آذربایجان مشکلاتی پدید آورد (Pakaein, 2021). همچنین از نظر امیراحمدیان، اگر این کریدور اجرایی شود، باز این کریدور مرز ایران و ارمنستان را حذف نخواهد کرد (Amir Ahmadian, 2019: 29). علاوه بر این، قورچی نگرانی‌ها درباره حذف احتمالی ایران از مسیر اتصال شرق - غرب را رد کرده و می‌گوید: «این موضوع، یک مکاپروژه کلان ژئوآکونومی است که از جانب چین پیگیری می‌شود و ایران همچنان در کانون این اتصال باقی خواهد ماند. او درباره آینده تحولات ترانزیتی و شبکه اقتصادی در قفقاز جنوبی تصریح می‌کند: «در تحولات جدید، اتفاقاً فرصت‌های خوبی پیش روی ایران گشوده می‌شود. ایران می‌تواند از فرصت‌های موجود برای اتصال به قفقاز و نیز از شرایط جدید صلح در منطقه کمک بگیرد، ولی مهم‌تر این است که دستگاه دیپلماسی ایران چگونه بتواند از شرایط جدید بهره‌برداری و از فرصت‌های تازه برای منافع اقتصادی استفاده کند (Ghorchi, 2019: 41). برای شکل‌دهی به فرصت‌های جدید در منطقه، باید نگاه و رویکرد ویژه‌ای از نظر فرصت‌های جدید اقتصادی به این منطقه داشته باشیم و نباید به‌دنبال آرمان‌ها و رؤیاهای ژئوپلیتیکی باشیم.

۲. بر اساس بند ۹ توافقنامه آتش‌بس (حرکت بدون مانع شهروندان، وسایل نقلیه و کالا در هر دو جهت) (website of the president of Russia, 2020)، آذربایجان تأکید دارد مسیرهای راه‌آهن و بزرگراهی که در کریدور زنگور ساخته می‌شود، باید «بدون کنترل»، «بدون بازرسی و محدودیت‌های گمرکی» باشد (Veliyev, 2021). طبق اظهارات پاک‌آیین، ایران نیز بدون تغییرات ژئوپلیتیکی (رعایت خط قرمزهای ایران) از این امر استقبال خواهد کرد و حتی می‌تواند با مشارکت خود از مزایای آن بهره‌برد.

ندارد، ولی گشایش در مرزهای شرقی-غربی ارمنستان می‌تواند این کشور را از وضعیت بد اقتصادی خارج کند) و در مجموع همکاری‌های گسترده به‌ویژه در مسیر شمال-جنوب و شرق-غرب فراهم می‌کند - این کریدور (بدون تغییرات ژئوپلیتیکی) توان قابل‌توجهی برای تقویت روابط اقتصادی-تجاری (Konuralp, 2022) و اعتمادسازی متقابل بین کشورهای منطقه و همجوار دارد و انگیزه مضاعفی برای توسعه کل منطقه ایجاد می‌کند (Gawliczek & iskandarov, 2023: 37; iskandarov et al., 2024: 12) - که در کریدور ارس، به‌رغم مزیت‌هایی که برای ایران به‌همراه دارد، چون ارمنستان و قفقاز جنوبی (غیر از آذربایجان) در خارج از این کریدور قرار می‌گیرند، چنین موضوعی عینیت ندارد. در آن صورت حتی به‌سختی می‌توان به برقراری مناسبات عادی بین آذربایجان و ترکیه با ارمنستان (وجود یک دلیل محکم) امیدوار بود و از سوی دیگر، با در نظر گرفتن اندازه اقتصادی ارمنستان و نیز انزوای ژئوپلیتیکی آن، این عبور به معنی نادیده گرفتن و تنها گذاشتن ارمنستان از طرف ایران خواهد بود. از این‌رو بازنده اصلی این سناریو ارمنستان خواهد بود و این امر نمی‌تواند برای آینده منطقه و برقراری ثبات در آن گزینه خوبی تلقی شود.

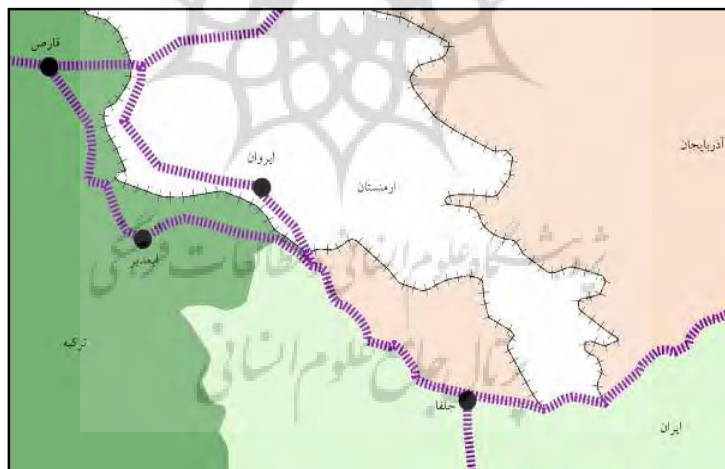
از طرف دیگر، به‌رغم عطش ژئواستراتژیکی آذربایجان و ترکیه برای این طرح، هر دو کشور در موقعیت کور و ضعیف ارتباطی-مواصلاتی و ژئواکونومیکی نیستند، و قبلاً شریان‌های ارتباطی-مواصلاتی قدرتمندی را از مسیر گرجستان شکل داده‌اند که اکنون نقش مهمی را در مسیر میانی ابتکار جاده و کمربند چین ایفا می‌کنند و به‌نوعی می‌توان کریدور زنگه‌زور را یک مسیر کمکی برای مسیر گرجستان، به‌ویژه با ظرفیت ارتباط مستقیم برای تعمیق مناسبات بین آذربایجان و ترکیه (و آسیای مرکزی) و نیز، نقش‌آفرینی قدرتمند در مسیر تعاملات شرق-غرب تلقی کرد که به همین دلیل (جلوگیری از قدرت گرفتن چین) آمریکا از این کریدور حمایت نمی‌کند. همچنین با تداوم وضعیت موجود در روابط بین ارمنستان و آذربایجان-ترکیه، هنوز نمی‌توان در خصوص کارایی بین‌المللی کریدور ارس<sup>۱</sup> امیدوار بود. زیرا اگر مشکلات مربوطه برطرف نشود، این کریدور در نهایت یک کریدور عقیم و در سطح برقراری ارتباط آذربایجان-نخجوان باقی می‌ماند که این ارتباط اکنون نیز وجود دارد، متها مسیر مورد استفاده آذربایجان از خاک ایران (به‌سبب آزادسازی اراضی قره‌باغ) کوتاه‌تر خواهد شد. در واقع بین‌المللی‌سازی کریدور ارس (به معنی نقش‌آفرینی در مسیر جاده ابریشم جدید) به انعطاف‌پذیری سیاست خارجی ایران و یکپارچگی عمیق‌تر با اقتصاد جهانی و نیز همگرایی

۱. استفاده رسمی ایران از واژه کریدور برای «کریدور ارس» نشان می‌دهد استفاده از این واژه برای کریدور زنگه‌زور از لحاظ حقوقی مشکلی ندارد، و مشکل اصلی به تفسیرهای متفاوت از توافقات بین آذربایجان-ارمنستان برمی‌گردد.

بیشتر با دو جناح اصلی این کریدور یعنی آذربایجان و ترکیه نیاز دارد تا چنین مجرای برای تعمیق مبادلات اقتصادی در مقیاس بین‌المللی شکل گیرد.

از دیدگاه ژئواستراتژیکی، تداوم شرایط فعلی (بلاتکلیفی در خصوص آینده منطقه و برقراری مناسبات عادی بین ارمنستان-آذربایجان، ادامه مشاجرات برای کریدور زنگه‌زور یا ارس، ادامه مشاجرات سیاسی بین تهران - باکو و سوءاستفاده بازیگران دیگر از این موضوع و حتی بغرنج‌تر شدن وضعیت موجود با مداخلات بیرونی، به‌ویژه چرخش ارمنستان به سوی غرب)، غیر از فرصت‌سوزی ژئواستراتژیکی برای ایران نخواهد بود. ایران می‌تواند با مدیریت و حل ملاحظات و نگرانی‌های همسایگی خود (به‌ویژه در چارچوب سیاست همسایگی)، از موقعیت موجود به‌عنوان یک فرصت برد-برد برای تقویت نفوذ خود در منطقه و عبور از محدودیت‌های موجود و افزایش نفوذ و نقش‌آفرینی بین‌المللی خود در مقیاس بزرگ‌تر استفاده کند. از این رو با شروع ارتباط مجدد ریلی نخجوان با ایروان و نیز تحقق پیوند ریلی ایران، آذربایجان و ترکیه از طریق محور جلفا-نخجوان-قارص، می‌توان شاهد تحول مهم ارتباطی-مواصلاتی برای ایران و حتی کریدور شمال-جنوب و کریدور خلیج فارس-دریای سیاه به سوی بازارهای اقتصادی روسیه و بنادر دریای سیاه و بازارهای اروپایی بود.

نقشه ۱. موقعیت ارتباطی-مواصلاتی ایران از طریق کریدور زنگه‌زور و ارس



تهیه و ترسیم: نگارنده

در واقع به‌رغم تفسیرهای متفاوتی که در خصوص گشایش راه‌های ارتباطی در ماده ۹ توافقنامه آتش‌بس بین آذربایجان و ارمنستان وجود دارد، اگر مسیر ارتباطی نخجوان-آذربایجان

سبب احیای راه‌آهن دوره شوروی در همجواری مرز ایران شود، این امر نه تنها تهدیدی برای ایران نخواهد بود، بلکه فرصت ارزشمندی را پس از سه دهه برای اتصال شبکه ریلی ایران به قفقاز جنوبی و فراتر از آن فراهم خواهد ساخت.<sup>۱</sup> حتی اگر مسیر ترانزیتی آذربایجان-نخجوان از طریق ایران به‌طور کامل قطع شود، اگر ایران بتواند به شبکه ریلی قفقاز جنوبی متصل شود، منافع تجاری و ترانزیتی گسترده‌تری نصیب ایران می‌شود که نمی‌توان آن را با سود محدود مسیر ترانزیتی آذربایجان-نخجوان از طریق ایران مقایسه کرد. مسیر ریلی جلفا-نخجوان-ایروان می‌تواند جایگزین طرح پرهزینه راه‌آهن ایروان-مغری شود و به موازات راه‌آهن رشت-آستارا، از دو مسیر امکان اتصال ایران به شبکه ریلی آذربایجان و روسیه را فراهم آورد. بنابراین باید از دامن زدن به اختلافات بین ارمنستان و آذربایجان پرهیز کرد (Kozegar Koleji, 2021).

در کنار مزیت‌های ژئواستراتژیکی گسترده و توپوگرافی جغرافیایی آذربایجان برای ایران، نباید از وابستگی ژئواستراتژیکی قفقاز جنوبی و به‌ویژه آذربایجان برای پیوند با بازارهای بین‌المللی به محور ارتباطی-مواصلاتی ایران غافل شد. آذربایجان به سبب موقعیت بری خود برای برقراری پیوندهای عمیق‌تر با اقتصاد جهانی، به تمامی مسیرهای ارتباطی-مواصلاتی نیاز دارد. حتی این کشور به سبب تجارب دوران شوروی و پس از آن، آنچنان از طرف روسیه احساس مساعدت و پشتیبانی نمی‌کند (اگرچه معادلات در حال تغییرند/ همگرایی روسیه و آذربایجان بر خلاف واگرایی ایران و آذربایجان). در چنین موقعیتی و گریز از وابستگی مجدد به روسیه، بی‌شک برای آذربایجان در کنار تعمیق ارتباطات از مسیر ترکیه، گستره جغرافیایی ایران در ابعاد مختلفی، به‌ویژه اقتصادی-تجاری و فنی امن‌ترین و مناسب‌ترین گزینه برای ارتباط با آب‌های آزاد و بازارهای بین‌المللی و حتی یک مسیر کمکی برای پیوند با ترکیه تلقی می‌شود که استفاده مؤثر ایران از این موقعیت راهبردی به اعتمادآفرینی متقابل و تعمیق مناسبات با آذربایجان بستگی دارد.

۱. تأثیر منفی کریدور نخجوان بر ایران از نظر ترانزیتی کم‌وبیش همان خواهد بود که مسیر باکو-تفلیس-قارص داشت، اما به نظر می‌رسد باز شدن مسیر جدید نخجوان حتی برخی از تأثیرات سوء مسیر قبلی را کاهش می‌دهد که از جمله می‌توان به اتصال خطوط ریلی ایران به نخجوان و سپس به قارص اشاره کرد، زیرا ترکیه در حال احداث یک خط آهن از قارص به ایغدیر و سپس به نخجوان است. این مسئله موجب می‌شود حمل‌ونقل ریلی ایران در خاک ترکیه بدون عبور از دریاچه وان که مشکلات زیادی دارد، به اروپا وصل شود. از طرف دیگر، در صورت برقراری صلح و آرامش در قفقاز جنوبی، ایران می‌تواند با استفاده از خط آهن نخجوان-ایروان، ارتباطات با ارمنستان را راحت‌تر انجام دهد. حتی جاده‌های مواصلاتی نخجوان به ارمنستان، در صورت بازگشایی هم از نظر فاصله به ایروان نزدیک‌تر و هم با کیفیت‌ترند (Mokhtari, 2019: 49).

### ۵. ظرفیت‌های جغرافیایی - فرهنگی (ژئوکالچرال)

از دیدگاه ژئواستراتژیکی، یکی دیگر از مهم‌ترین فرصت‌های هم‌افزایی بین ایران و آذربایجان به اشتراکات فرهنگی دوجانبه مربوط می‌شود. فرهنگ مهم‌ترین عنصر در شکل‌دهی به تاریخ شناخته می‌شود؛ در واقع روح و تاریخ جوامع با غنای فرهنگی شکل می‌گیرد. اگر فرهنگ شما قوی، پویا و زنده باشد، اکسیر زندگی را به فرهنگ‌های دیگر عرضه می‌کنید و به آنها زندگی می‌بخشید. پویایی‌های جغرافیایی-فرهنگی، سیستم ارزشی عمیق یک جامعه را نشان می‌دهد که از جهت‌گیری، مسیر و روح آن جامعه در طول تاریخ منشأ می‌گیرد. از این رو منشأ نامرئی ولی واقعی تحولات بزرگ در سیاست خارجی، در پویایی‌های جغرافیایی-فرهنگی ریشه دارد. تاریخ در جغرافیای فرهنگی شکوفا می‌شود، در محور پویایی‌ها و ارزش‌های فرهنگی ریشه می‌دواند و به بار می‌نشیند (Kaplan, 2020).

ارزیابی تعلقات و وابستگی‌های فرهنگی دوجانبه نشان می‌دهد آذربایجان در زمینه تجانس فرهنگی (دینی-مذهبی و قومی-زبانی) با جامعه ایرانی مهم‌ترین همسایه ایران تلقی می‌شود. به بیان دیگر، ایران با هیچ‌یک از همسایگان خود به اندازه آذربایجان اشتراکات فرهنگی ندارد. تجانس عمیق فرهنگی بین طرفین در دو عنصر هویت شیعی و هویت زبانی-قومی به نمایش درمی‌آید. در عنصر هویت شیعی، آذربایجان تنها کشور اسلامی شناخته می‌شود که پس از ایران، اکثریت جمعیت آن (با ۸۵ درصد) شیعیان هستند. ولی هیچ‌یک از سایر همسایگان ایران چنین ظرفیتی ندارند. همزمان، اکثریت جمعیت آن (بیش از ۹۰ درصد) ترک آذربایجانی و دارای هویت زبانی-قومی مشترکی با ترک‌های ایران هستند که بخش زیادی از جمعیت ایران (دومین گروه قومی-زبانی ایران) را تشکیل می‌دهند. این دو تجانس جمعیتی-فرهنگی بین طرفین در همسایگی ایران مشابهی ندارد و ایران به راحتی می‌تواند در سیاست خارجی خود از چنین مزیت ژئواستراتژیکی استثنایی برای تقویت نفوذ خود در قفقاز جنوبی و نیز استفاده از وزن فرهنگی و موقعیت فرهنگی-پیوندی آذربایجان برای ارتباط با بازارهای دیگر بهره‌گیرد. در واقع از دیدگاه جغرافیای ژئواستراتژیکی فرهنگی، آذربایجان می‌تواند به‌عنوان کریدور و بازوی راهبردی ایران در قفقاز جنوبی، در تعمیق نفوذ و همکاری‌های سیاسی-اقتصادی و فرهنگی ایران در منطقه و فراتر از آن نقش‌آفرینی کند. در واقع می‌توان به همان استفاده ژئواستراتژیکی ترکیه از آذربایجان اشاره کرد.

در میان سایر همسایگان ایران، با وجود وزن ژئواستراتژیکی متفاوت تجانس جمعیتی-فرهنگی (دینی-مذهبی و قومی-زبانی) بین آذربایجان و ایران (جدول ۱)، اثر جدی از آیکونوگرافی جغرافیایی-فرهنگی (نقش تعلقات و وابستگی‌های معنوی) در مناسبات کنونی طرفین وجود ندارد. بر عکس، همان‌طور که مطالعات (Amir Ahmadian et al., 2016; Javadi

Arjamand & Kikhosro Dolatyari, 2017) نشان می‌دهد آیکونوگرافی موجود در مناسبات بین ایران و ارمنستان در فقدان ویژگی‌های ژئواستراتژیکی فرهنگی-معنوی (صرفاً به دلایل تاکتیکی، استراتژیکی و حتی ایدئولوژیکی) بسیار قوی‌تر ظاهر می‌شود و با تشدید واگرایی و گسل‌های سیاسی - ایدئولوژیکی بین آذربایجان و ایران، روند سیرکولاسیون را در مناسبات طرفین تقویت می‌کند. از سوی دیگر، در فقدان استفاده ایران از این پتانسیل‌های ژئواستراتژیکی قدرتمند هم‌تکمیلی، کشور ترکیه که صرفاً دارای تعانس فرهنگی (قومی-زبانی) با آذربایجان است، به‌خوبی توانسته است آیکونوگرافی بسیار تأثیرگذار و عمیقی بین خود و آذربایجان شکل دهد که نمود آن را می‌توان در شعار «یک ملت، دو دولت» مشاهده کرد.

جدول ۱. میزان تقریبی تعلقات ژئواستراتژیکی بین ایران و آذربایجان و آذربایجان با ترکیه و روسیه

اشتراکات	آذربایجان- ایران	ارمنستان- ایران	ترکیه- ایران	عراق- ایران	ترکمنستان- ایران
دینی	+++	---	+++	+++	+++
مذهبی	+++	---	---	++	---
زبانی	++	---	++	+	+
	افغانستان- ایران	پاکستان- ایران	عربستان- ایران	ترکیه- آذربایجان	روسیه- آذربایجان
دینی	+++	+++	+++	+++	+
مذهبی	+	+	---	---	---
زبانی	++	---	+	+++	+

+++ زیاد ++ تا حدود زیادی + تا حدودی \_ \_ ندارد (منبع: ارزیابی نویسنده)

همچنین، یکی دیگر از پتانسیل‌های قدرتمند برای تعمیق مناسبات طرفین به اشتراکات و جغرافیاهای ژئواستراتژیکی تاریخی دوجانبه مربوط می‌شود. بدون تردید و فارغ از تعصبات سیاسی، به آن میزان که آذربایجان جزء لاینفک جغرافیای تاریخی تمدن ایرانی شناخته می‌شود، ایران نیز با جغرافیای تاریخی تمدن ترکی پیوندهای ناگسستنی دارد و نمی‌توان با مرزهای سیاسی کنونی، تعلقات و وابستگی‌های تاریخی (از جمله سنن تاریخی مانند نوروز و مشاهیر ادبی-علمی و غیره) و نیز زندگی و تجارب جمعی سیاسی-تاریخی میان دو حوزه تمدنی مجاور و آمیخته با یکدیگر را (قدرت‌گیری دولت‌های مختلف ترکی در طول سده‌های متمادی در سرزمین ایران، پیوستگی حیات سیاسی-اجتماعی-تاریخی و تبادلات فرهنگی فی‌مابین) جدا کرد. از این‌رو از دیدگاه ژئواستراتژیکی، در کنار سایر مزیت‌های موجود، این کشور می‌تواند در سیاست خارجی ایران مورد توجه ویژه قرار گیرد. یک ارزیابی ساده ژئواستراتژیکی به‌وضوح نشان می‌دهد آذربایجان با وجود چنین پتانسیل‌هایی، در سیاست

خارجی ایران جایگاه ضعیفی دارد. هنر سیاست خارجی در این خلاصه می‌شود که بتواند در عرصه رقابت در کنار هر نوع ملاحظات سیاسی، ژئوپلیتیکی، ایدئولوژیکی و غیره، از فرصت‌های موجود حداکثر استفاده را ببرد و حتی محدودیت‌های موجود را به فرصت تبدیل کند. از این رو با توجه به اشتراکات تاریخی عمیق بین طرفین، به نظر می‌رسد جهت‌گیری سیرکولاسیون و متفاوت ایران و حتی انفعال سیاست خارجی کشور در مقابل همگرایی و آیکنوگرافی بین آذربایجان-ترکیه و کشورهای آسیای مرکزی یک نوع خودزنی و فاصله‌گیری از میدان فرصت‌هاست. از دیدگاه ژئواستراتژیکی، همان‌طور که روند حاکم بر مناسبات ایران با آذربایجان و دیگر کشورهای آسیای مرکزی (Valigholizadeh, 2014: 353-355) نشان می‌دهد، استفاده ایران از سیاست «رقابت تقابلی»<sup>۱</sup> (Scholvin, 2019: 23) برای تضعیف رقیب، حاصلی جز تضعیف مناسبات ایران به همراه ندارد.

ولی با توجه به بسترهای ژئواستراتژیکی موجود، ایران می‌تواند در متن مناسبات رقیب قرار گیرد. به بیان دیگر، با توجه به اشتراکات عمیق و پیوندهای ناگسستنی تاریخی و فرهنگی، ایران می‌تواند در این همگرایی به‌عنوان عضو ناظر و حتی دائمی حاضر شود. این گزینش برای ایران جبر ژئواستراتژیکی نیست، ایران در این همگرایی جغرافیایی-فرهنگی به اصطلاح رقیب در همسایگی خود، حق آب و گل دارد. ایران، حتی با حضور و تقویت نفوذ خود در این همگرایی می‌تواند از طریق همکاری و دیپلماسی بر نگرانی‌های ژئوپلیتیکی خود فائق آید و نیز فرصت‌های مداخلات سیاسی را از قدرت‌های دیگر سلب کند. این راهبرد برد-برد به راحتی می‌تواند از طریق تعمیق همکاری‌های ایران و آذربایجان اجرا شود و نتایج خوبی را برای ایران و منطقه به همراه آورد. این راهبرد حتی می‌تواند با تعمیق مناسبات طرفین و نیز نقش‌آفرینی مؤثر ایران، در کنار فعالیت مسیر میانی راه ابریشم قرن، موجب گشایش، فعالیت و رونق فزاینده مسیر جنوبی راه ابریشم از طریق ایران شود.

### ظرفیت‌های جغرافیایی - اقتصادی (ژئواکونومیکی)

از دیدگاه ژئواستراتژیکی، یکی دیگر از مهم‌ترین فرصت‌های آیکنوگرافی بین ایران و آذربایجان به پتانسیل‌های اقتصاد پویا و وسعت بازار آن در همسایگی ایران مربوط می‌شود. در قفقاز جنوبی، بر خلاف ارمنستان که به خاطر مناقشات ژئوپلیتیکی با آذربایجان و ترکیه و نیز موقعیت جغرافیایی و امتداد شمالی-جنوبی مرزهایش در موقعیت انزوا و عقب‌ماندگی اقتصادی-توسعه‌یافتگی قرار دارد، آذربایجان به‌ویژه به برکت درآمدهای نفتی و نیز برقراری مناسبات عمیق‌تر و همگرایی فزاینده با اقتصاد جهانی (به‌ویژه از طریق ایجاد تعلقات و



وابستگی‌های متقابل ارتباطی-مواصلاتی در حوزه ترانزیت و انتقال انرژی از مسیر گرجستان و ترکیه، در مسیر پیشروی و توسعه تدریجی اقتصادی قرار دارد. ولی ارمنستان تاکنون نتوانسته به سبب اختلاف‌های پرهزینه ژئوپلیتیکی که این موضوع گاهی نیز با مداخلات بیرونی بر ارمنستان تحمیل می‌شود، چنین فرصت‌هایی را خلق کند یا از چنین فرصت‌هایی در همسایگی خود بهره بگیرد. همزمان، آذربایجان با بیش از ده میلیون جمعیت، بازار اقتصادی نسبتاً بزرگی تلقی می‌شود. حتی می‌توان وسعت بازارهایی را که از مسیر آذربایجان می‌توان با آنها ارتباط مستقیم اقتصادی برقرار کرد به آن افزود؛ موقعیتی که انزوای سیاسی-اقتصادی از ارمنستان سلب می‌کند. همچنین، وسعت و امتداد، تنوع (زمینی-دریایی) و توپوگرافی مرزهای آذربایجان در برابر مرزهای محدود و دشوار زمینی ارمنستان، بازار آذربایجان را برای ایران بسیار اقتصادی‌تر و جذاب‌تر می‌کند.

علاوه بر این، عمده پتانسیل‌های اقتصاد آذربایجان در بخش انرژی و صنایع مرتبط خلاصه می‌شود (Gül, 2007: 42). از این رو با توجه به تجارب طرفین در این حوزه و صنایع مرتبط، علاوه بر بهره‌وری طرفین از تجارب یکدیگر و تعمیق مناسبات اقتصادی، می‌توان در حوزه اکتشاف، استخراج و سوآپ منابع انرژی از فرصت‌های ژئواستراتژیکی موجود برای تعمیق و تقویت مناسبات طرفین و نیز همکاری‌های بین‌المللی استفاده کرد (Valigholizadeh, 2014: 164).

در بخش روابط تجاری و اقتصادی که نقش مهمی در تعیین جایگاه و نفوذ هر کشور در بین کشورهای دیگر ایفا می‌کند (Bayramov, 1998: 45)، اگرچه ارزش مبادلات طرفین در قیاس با مبادلات رقبای ایران توصیفی ندارد، ولی علاوه بر تراز تجاری مثبت ایران، این کشور همواره در رتبه‌های اول بازارهای صادراتی ایران در حوزه سی‌آی‌اس قرار دارد و این امر به اهمیت ژئواستراتژیکی بازار آذربایجان در همسایگی شمالی ایران اشاره می‌کند. علاوه بر وسعت بازار آذربایجان، حجم زیادی از صادرات منطقه‌ای ایران از طریق این کشور ترانزیت می‌شود و آذربایجان به‌عنوان کریدور تجاری ایران با کشورهای همجوار عمل می‌کند که حفظ آن برای ایران اهمیت زیادی دارد. در این زمینه می‌توان به زیرساخت‌های جاده‌ای مناسب آذربایجان به‌ویژه بزرگراه سراسری آستارا-باجو اشاره کرد که در حوزه تجارت ایران زمینه مناسبی را برای تحقق کریدور شمال-جنوب (بین ایران، آذربایجان و روسیه) و کریدور خلیج فارس-دریای سیاه (بین ایران، آذربایجان و گرجستان) فراهم می‌کند. به بیان دیگر، از دیدگاه ژئواستراتژیکی می‌توان آذربایجان را لولای ارتباطی-مواصلاتی تجارت بین ایران و بازارهای اقتصادی همجوار تلقی کرد، که بر اساس پتانسیل اقتصادی خود و حجم مناسبات تجاری با ایران می‌تواند بخش عمده مبادلات تجاری ایران با بازارهای همجوار را از طریق قفقاز جنوبی

هدایت کند و این امر علاوه بر تعمیق مبادلات تجاری دوجانبه، می‌تواند سبب شکل‌گیری مناسبات راهبردی بین طرفین شود. اهمیت موقعیت تجاری آذربایجان برای ایران زمانی دوچندان می‌شود که این کشور از نظر ژئواستراتژیکی، به‌عنوان یک کشور غنی از منابع انرژی در مرکز ثقل جغرافیایی اوراسیا و در موقعیت پل ارتباطی-مواصلاتی آسیای مرکزی با اروپا و غرب نقش‌آفرینی می‌کند. از سوی دیگر، بازار ایران از بُعد وسعت و زیرساخت‌های ارتباطی-مواصلاتی مکمل مستقیم بازار نوپای آذربایجان از طریق خلیج فارس به بازارهای جهانی محسوب می‌شود.

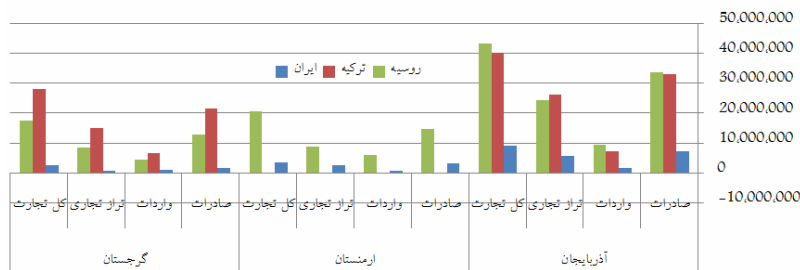
جدول ۲. رتبه‌های آذربایجان در میان بازارهای صادراتی ایران در حوزه سی‌آی‌اس (از ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۲)

رتبه	03	04	05	06	07	08	09	10	11	12	13	14	15	16	17	18	19	20	21	22
1	RU	RU	RU	RU	RU	RU	RU	RU	RU	RU	RU	RU	RU	RU	RU	RU	RU	RU	RU	RU
2	TU	AR	AR	RU	AZ	RU	TU	AZ	AZ	RU	AZ	AZ	UZ	AZ	AZ	TU	AZ	AZ	UZ	AZ
3	KU	KU	KU	TH	TH	TH	KU	KU	TH	RU	KU	KU	RU	TH	TH	TH	TH	KU	RU	TH
4	AR	TU	TU	AR	TA	TA	TA	TA	TA	TA	TA	TA	RU	TA	TA	GE	UZ	UZ	TU	AR
5	EG	EG	EG	EG	EG	EG	EG	EG	EG	EG	EG	EG	EG	EG	EG	EG	EG	EG	EG	EG
6	UZ	TA	UZ	UK	UK	UK	UZ	KA	KA	AR	GE	AR	KA	UZ	KA	UZ	KA	TU	KA	KA
7	KU	KU	KU	SA	SA	KU	KU	EG	EG	EG	EG	EG	EG	EG	EG	EG	EG	EG	EG	EG
8	GE	GE	GE	UZ	UZ	UZ	KY	GE	SE	UZ	AR	GE	GE	SE	SE	TA	KY	KY	TA	TA
9	KY	TH	TH	TH	TH	TH	TH	TH	TH	TH	TH	TH	TH	TH	TH	TH	TH	TH	TH	TH
10	UK	KY	KY	KY	KY	KY	UK	KY	KY	KY	KY	UK	UK	KY	UK	UK	TA	BE	UK	UK
11	BE	BE	BE	BE	BE	BE	BE	BE	BE	BE	BE	BE	BE	BE	BE	BE	BE	BE	BE	BE
12	MD	MD	MD	MD	MD	MD	MD	MD	MD	MD	MD	MD	MD	MD	MD	MD	MD	MD	MD	MD

منبع: آمارهای تجارت خارجی ایران (world Bank)

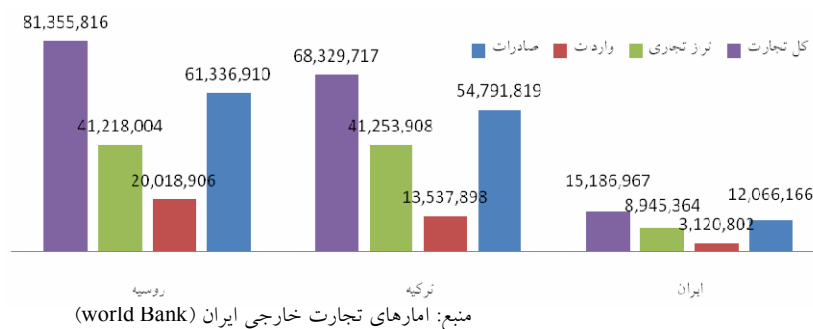
از دیدگاه ژئواستراتژیکی، اگرچه قرار گرفتن آذربایجان در رتبه‌های اول بازارهای صادراتی ایران در حوزه سی‌آی‌اس به اهمیت ژئواستراتژیکی آن در روابط تجاری-اقتصادی ایران اشاره می‌کند، ولی روابط تجاری طرفین گاهی دچار افت محسوس می‌شود که مهم‌ترین دلیل آن به روند مناسبات سیاسی مربوط می‌شود. با وجود این، رقابت ایران مثل ترکیه و روسیه که آنها نیز جزو همسایگان آذربایجان هستند (با اینکه هر دو فاقد مزیت‌های موجود بین آذربایجان-ایران هستند) و حتی اسرائیل که هیچ تعلق جغرافیایی در منطقه ندارد، توانسته‌اند در تعمیق مناسبات خود با آذربایجان به دلایل چندی موفق‌تر از ایران عمل کنند.

نمودار ۱. مناسبات تجاری ایران، ترکیه و روسیه با کشورهای قفقاز جنوب/میلیارد دلار (از ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۲)

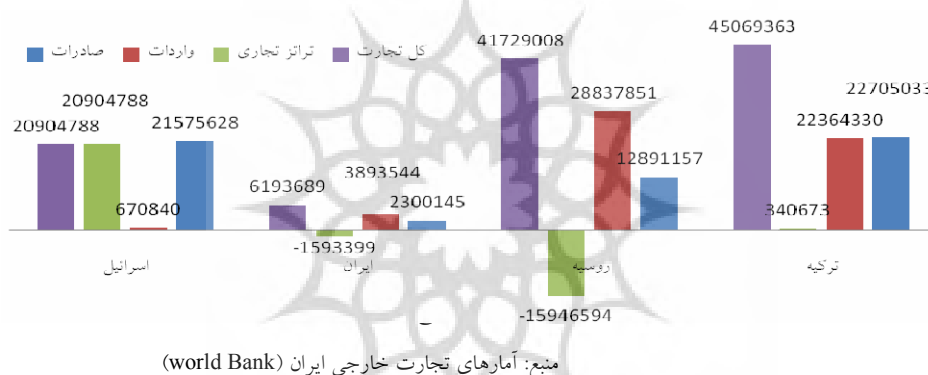


منبع: آمارهای تجارت خارجی ایران (world Bank)

نمودار ۲. ارزش دلاری مجموع مناسبات ایران، ترکیه و روسیه با قفقاز جنوبی/ میلیارد دلار (از ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۲)



نمودار ۳. ارزش دلاری مناسبات تجاری آذربایجان با ایران، ترکیه، روسیه و اسرائیل/ میلیارد دلار (از ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۲)



به بیان دیگر، همان‌طور که نمودارهای ۱ تا ۳ نشان می‌دهند، از دیدگاه ژئواستراتژیکی، ایران در قفقاز جنوبی و به‌ویژه در آذربایجان نفوذ اقتصادی ضعیفی دارد و در حال حاضر به سبب ضعف اعتماد دوجانبه، سیر نزولی و یا انجماد در مناسبات طرفین ادامه دارد و فرصت‌های موجود در اختیار سایر کشورها قرار می‌گیرد؛ از این رو شاید بهترین تعبیر برای تبیین وضعیت موجود در روابط همسایگی ایران با آذربایجان، غفلت ژئواستراتژیکی ایران از این کشور و تعلقات ژئواستراتژیکی طرفین باشد.

## ۶. تحلیل و نتیجه

در این پژوهش سعی شد فرصت‌های ژئواستراتژیکی آذربایجان برای ایران در قفقاز جنوبی تبیین شود. نتایج پژوهش از یک سو نشان می‌دهد آذربایجان در ابعاد مختلف گستره و

توپوگرافی جغرافیایی، ویژگی‌های جمعیتی و اشتراکات فرهنگی، اشتراکات تاریخی و وسعت بازار اقتصادی فرصت‌های گسترده ژئواستراتژیکی برای نفوذ و نقش‌آفرینی قدرتمند ایران در منطقه و فراتر از آن به ارمغان می‌آورد که چنین فرصت‌هایی را از بُعد تنوع و عمق آنها به‌سختی می‌توان در میان سایر همسایگان ایران مشاهده کرد. حتی آذربایجان برای هیچ‌یک از رقبا و دشمنان ایران چنین فرصت‌هایی را خلق نمی‌کند. از سوی دیگر، نتایج پژوهش به تلخ‌ترین تجربه ایران در منطقه اشاره می‌کند؛ بدین معنی که ایران به رغم فرصت‌های موجود، به دلایل مختلفی نمی‌تواند از آنها استفاده کند و به‌نوعی میدان را برای نقش‌آفرینی و نفوذ قدرتمند رقبا و دشمنان خود رها می‌کند.

جدول ۳. میزان تقریبی تعلقات ژئواستراتژیکی بین آذربایجان و بازیگران مهم قفقاز

تعلقات ژئواستراتژیکی	آذربایجان- ایران	آذربایجان- ترکیه	آذربایجان- روسیه	آذربایجان- اسرائیل
گستره و توپوگرافی جغرافیایی	+++	+	++	---
تعلقات فرهنگی: زبانی- قومی	++	+++	++	---
تعلقات فرهنگی: دینی- مذهبی	+++	+	+	---
تعلقات و اشتراکات تاریخی	++	++	+	---
بسترهای هم‌تکمیلی اقتصادی	+++	+++	+++	++
اعتماد و احساس حمایت	---	+++	---	+++

+++ زیاد ++ تا حدود زیادی + تا حدودی \_\_\_ ندارد (منبع: ارزیابی نویسنده)

طبق نتایج این پژوهش، می‌توان آذربایجان را جغرافیایی‌ترین و اقتصادی‌ترین دروازه و گلوگاه تجاری-مواصلاتی ایران با قفقاز جنوبی و بازارهای متنوع پیرامونی تلقی کرد، ولی این به معنی نفی اهمیت ژئواستراتژیکی جغرافیای ارتباطی ارمنستان به‌ویژه از دید رقابت تقابلی با رقبای ایران نیست. همان‌گونه که آذربایجان و ترکیه برای تنوع در کریدورهای ارتباطی-مواصلاتی خود تلاش می‌کنند، منافع اقتصادی و تجاری ایران در منطقه ایجاب می‌کند که هر دو مسیر را پیش ببرد. اگرچه بدون تغییر وضعیت در مناسبات آذربایجان-ارمنستان در زمینه کارایی مسیر ارمنستان زیاد نمی‌توان امیدوار بود. با وجود این، همان‌طور که تجربه گذشته روابط سیاسی-اقتصادی ایران با آذربایجان نشان می‌دهد، ایران نباید بیش از این فرصت‌سوزی کند. اینکه بیان می‌شود کریدور زنگه‌زور نفوذ ترکیه را در منطقه افزایش می‌دهد و ایران راضی به آن نیست، اساساً بدون آن نیز ترکیه نفوذ اقتصادی وسیعی در منطقه دارد، زیرا سیستم

بین‌المللی کنونی اغلب بر اساس وابستگی‌های متقابل اقتصادی عمل می‌کند و سیاست‌های ایدئولوژیکی نقش‌آفرینی سابق خود را ندارد، بدین معنی که عمق ارتباطات کشورها را نفوذ آنها در سیستم جهانی تقسیم کار و زنجیره ارزش مشخص می‌کند.

یکی از بزرگ‌ترین مشکلاتی که مناسبات طرفین از آن رنج می‌برد، به فقدان اعتمادسازی متقابل برمی‌گردد. در این زمینه، با توجه به اینکه آذربایجان قدرت کوچک‌تر و ایران قدرت مسلط و بزرگ‌تر محسوب می‌شود، اعتمادسازی و تلاش برای جذب آذربایجان باید از طرف ایران در اولویت قرار گیرد. در غیر این صورت، همانند وضعیت موجود، آذربایجان بیش از پیش به سوی کشورهای رقیب و نیز دشمنان ایران (مانند اسرائیل) سوق خواهد یافت (رونندی که اخیراً از سوی ارمنستان نیز مشاهده می‌شود) که این موضوع بر پیچیدگی اوضاع می‌افزاید و موجبات نگرانی‌های سیاسی ژئوپلیتیکی ایران را در پی دارد. در این زمینه، یکی از موضوعاتی که ظاهراً در ایران در زمینه مناسبات طرفین پررنگ‌تر جلوه می‌کند، به نگاه امنیتی به این کشور (Kolaei & osoli, 2017; Chabaki, 2008) مربوط می‌شود که این امر وضع موجود را در ابعاد داخلی و خارجی پیچیده‌تر می‌کند. به جرأت می‌توان گفت مرز بین دو کشور امن‌ترین مرز ایران محسوب می‌شود، ولی در مباحث و گفت‌وگوهای مختلف، جو سنگین امنیتی در مورد آذربایجان وجود دارد. وقتی ایران نمی‌تواند (به سبب ملاحظات ژئوپلیتیکی و ایدئولوژیکی) با همه تعلقات ژئواستراتژیکی و در موقعیت ویژه از همسایگی آذربایجان، خلأ قدرت و نفوذ را در همسایگی خود پر کند، بی‌شک کشورهای رقیب و به‌ویژه دشمن از چنین فرصتی نهایت استفاده را برای رسیدن به اهداف راهبردی خود خواهند برد. در مجموع، طبق نتایج این پژوهش، می‌توان با یک چرخش ژئواستراتژیکی در سیاست خارجی تا حدود زیادی به اعتمادسازی متقابل در مناسبات طرفین و نیز عبور از ملاحظات و نگرانی‌های سیاسی، ژئوپلیتیکی، ایدئولوژیکی و یک تحول عمده در نفوذ و نقش‌آفرینی ایران در قفقاز جنوبی و آذربایجان امیدوار بود.

## ۷. قدردانی

بدینوسیله بر خود لازم می‌دانم از معاونت پژوهشی دانشگاه مراغه و داوران فصلنامه سیاست دانشگاه تهران به دلیل نشر آثار پژوهشی، کمال تشکر و قدردانی را داشته باشم.

## ۸. بیانیه نبود تعارض منافع

نویسنده اعلام می‌کند که تعارض منافع وجود ندارد؛ و تمام مسائل اخلاق در پژوهش را که شامل پرهیز از سرقت ادبی، انتشار و یا ارسال بیش از یک بار مقاله، تکرار پژوهش دیگران، داده‌سازی یا

جعل داده‌ها، منبع‌سازی و جعل منابع، رضایت ناآگاهانه سوژه یا پژوهش‌شونده، سوءرفتار و غیره می‌شوند، به‌طور کامل رعایت کرده است.

## References

1. Abbasi, M; Mousavi, S.M.R (2012). "Iran-Azerbaijan Relations, Convergence Platforms and Divergence Areas," *Central Eurasia Studies*, 6, 8: 80-61, at: [https://jcep.ut.ac.ir/article\\_36771.html](https://jcep.ut.ac.ir/article_36771.html). [In Persian]
2. Abbaszadeh Fathabadi, M; Moinabadi Bidgoli, H; Dost Hosseini, M (2021). "Structural Analysis of the turn in Iran's Foreign Policy against the Nagorno-Karabakh Crisis (2020)." *Central Eurasian Studies*, 2, 14: 246-225, doi: 10.22059/jcep.2022.318774.449983. [In Persian]
3. Aiqraru, M (2019). "The Opportunity to revive the Jolfa Railway Line to Connect Iran to Europe," *Bandar and Darya Magazine*, 283 and 284, 36 and 37: 43-42, at: <https://www.magiran.com/p2215773>. [In Persian]
4. Amir Ahmadian, B (2019). "Armenia and Nakhchivan Corridor will never be Established", *Bandar and Darya Monthly*, 283 and 284, 36 and 37: 31-28, at: <https://www.magiran.com/p2215757>. [In Persian]
5. Amir Ahmadian, B (2024). "Development of Cooperation between Iran and the Republic of Azerbaijan," *Iranian Diplomacy*, at: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/2026348> (June 25, 1403). [In Persian]
6. Amir Ahmadian, B; and others (2016). "Analysis of Iran-Armenia relations using the theoretical framework of defensive realism," *Central Eurasia Studies*, 9, 1: 41-19, at: [https://jcep.ut.ac.ir/article\\_58572.html](https://jcep.ut.ac.ir/article_58572.html). [In Persian]
7. Bahman, Sh (2021). "Iran is the biggest loser of the South Caucasus," *Faraz Daily*, at: <https://www.faraz.ir/fa/news/48733> (20 Shahrivar 1403). [In Persian]
8. Bayramov, Avaz. (1998) *Foreign Economic Relations*, Baku: Xalq Gazetesi.
9. Brzezinski, Zbigniew. (1986) *Game Plan: A Geostrategic Framework for the Conduct of the U.S.–Soviet Contest*, Boston: The Atlantic Monthly Press.
10. Center for Strategic and International Studies. "Brzezinski Institute on Geostrategy," Available at: <https://www.csis.org/programs/brzezinski-institute-geostrategy> (Accessed 10 July 2024).
11. Chabaki, O (2008). "Challenges of relations between Iran and Azerbaijan," *Central Eurasia Studies*, 2, 4: 84-63, at: [https://jcep.ut.ac.ir/article\\_20463.html](https://jcep.ut.ac.ir/article_20463.html). [In Persian]
12. hedia, Anri R. (2024) "Zangezur Corridor: Economic Potential and Political Constraints. Russia in Global Affairs," 22, 1: 194–216, <DOI: 10.31278/1810-6374-2024-22-1-194-216>.
13. Fathulahi, A (2023). "Study of Erdoğan's Goals Regarding the Proposed Crossing of the Zangez-Zor Corridor through Iranian Territory," *Iranian Diplomacy*, at: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/2022058> (27 May 1403). [In Persian]

14. Garafano, John. (2004) "Alternate Security Strategies: The Strategic Feasibility of Various Notions of Security," International Peace Research Foundation, Available at: [http://www.afes-press.de/pdf/Garafano\\_Alternate\\_Secutity.pdf](http://www.afes-press.de/pdf/Garafano_Alternate_Secutity.pdf).
15. Gawliczek, Piotr; Iskandarov, Khayal. (2023) "The Zangezur corridor as part of the global transport route (against the backdrop of power games in the South Caucasus region)," *Security and Defence Quarterly*, 41, 1: 36-53, <<https://doi.org/10.35467/sdq/161993>>.
16. Gholizadeh, S.E; Kafash Jamshid, M.R (2013). "Opportunities and Challenges of Deepening Iran in the Republic of Azerbaijan," *Defense Policy*, 22, 86: 172-139, at: [https://dpj.ihu.ac.ir/article\\_203196.html](https://dpj.ihu.ac.ir/article_203196.html). [In Persian]
17. Ghorchi, M (2019). "Linking Competitors in a Network Economy," *Bandar and Darya Monthly*, 283 and 284, 36 and 37: 42-40, at: <https://www.magiran.com/p2215773>. [In Persian]
18. Gray, Colin S. & Geoffrev, Sloan. (1999) *Geopolitics, Geography and Strategy*, London and Portland, Oregon: Frank Cass.
19. Gryziel, Jakub J. (2006) *Great Powers and Geopolitical Change*. Baltimore: The Johns Hopkins University Press.
20. Gül, Cengiz. (2007) "Investment in Azerbaijan is Advantageous", *Ekonomik Forum*.
21. Gyorgy, Andrew. (1943) "The Geopolitics of War: Total War and Geostrategy". *Politics*. 5, 4: 347-362, <<https://doi.org/10.2307/2125293>>
22. Iskandarov, Khayal et al. (2024) "Violation of territorial integrity as a tool for waging long-term hybrid warfare (against the backdrop of power games in the South Caucasus region)," *Security and Defence Quarterly*, 45, 1: 1-17, <<https://doi.org/10.35467/sdq/174507>>.
23. Jajani, M; Sanai, A; Khabeiri, K (2021). "Construction and Validation of Iran-Azerbaijan Foreign Relations model and extraction of Risk-taking, Critical, Strategic and Regulatory Variables," *Central Eurasia Studies*, 14, 2: 173-151, doi: 10.22059/jcep.2022.326128.450013. [In Persian]
24. Javadi Arjamand, M.J; Kikhosro Dolatyari, Y (2017). "Geopolitical Analysis of Iran-Armenia Relations in the Framework of Anderson's Theory and the Plan of a Regional Convergence after the Normalization of Relations between Armenia and Turkey," *Geopolitic*, 8, 26: 223-192, in: <https://www.sid.ir/paper/115986>. [In Persian]
25. Joo-Jock, Lim. (1979) *Geo-Strategy and the South China Sea Basin*. Singapore: Singapore University Press.
26. Kaplan, Yusuf. (2020) "Türkiye, dış politikadaki atağı, jeo-kültürel derinliğini harekete geçirebilmesine borçlu," Available at: <https://www.yenisafak.com/yazarlar/yusuf-kaplan/turkiye-dis-politikadaki-atagi-jeo-kulturel-derinligini-harekete-gecirebilmesine-borclu-2055461>.
27. Kolaei, E; Osoli, Gh. (2017). "How the Security Relations between Iran and the Republic of Azerbaijan Change," *Central Eurasia Studies*, 5, 11: 94-57, at: <https://www.sid.ir/paper/151285>. [In Persian]

28. Konuralp, Erhan. (2022) "Zengzur Koridorunun Bölgesel Kalkınma ve Ekonomik Büyüme Statejik Önemi Çalıştay Raporu," Serhat Kalkınma Ajansı.
29. Kozegar Koleji, V (2021). A Reflection on the Legal and Executive Challenges and Ambiguities of the Ninth Paragraph of the Karabagh Ceasefire Agreement," Iranian Diplomacy, at: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/2002585> (June 25, 1403). [In Persian]
30. Kozegar Koleji, V (2022). "Strategic Railway Connection: Time to Reconnect Iran and the South Caucasus," Iran and Eurasia Studies Institute, at: <https://B2n.ir/j53727> (June 25, 1403). [In Persian]
31. Lacoste, Y. (1997) "Géopolitique, économie et nation," *Géoeconomie*, 50, pp. 39-44, Available at: <https://shs.cairn.info/revue-geoéconomie-2009-3-page-39?lang=fr>
32. Luttwak, E. N. (1990) "From Geopolitics to Geo-economics: Logic of Conflict, Grammar of Commerce," *The National Interest*, 20, pp. 17-23, Available at: <https://www.jstor.org/stable/42894676>.
33. Mokhtari, H (2019). "Gains and losses of Regional Countries from the Nakhchivan Corridor," *Bandar and Darya Monthly*, 283 and 284, 36 and 37: 49-48, at: <https://www.magiran.com/p2215776>. [In Persian]
34. Mousavi, S. M.R; Toti, H.A (2017). "Israeli Relations with the South Caucasus and its Impact on the National Security of the Islamic Republic of Iran," *Aran*, 11, 30-31: <https://www.sid.ir/paper/499790/fa>. [In Persian]
35. Naseri, A; Shakuri, A (2024). "Iran and the Geopolitics of the Zangezor Corridor," *Studies of Central Asia and the Caucasus*, 30, 125: 94-55, at [http://ca.ipisjournals.ir/article\\_714199.html](http://ca.ipisjournals.ir/article_714199.html). [In Persian]
36. Pakaein, M (2021). "In what way does Zangzor Corridor Threaten Iran's Interests?" *Khabaronline*, at: <https://www.khabaronline.ir/news/1579150> (June 25, 1403). [In Persian]
37. Rogers, James; Simón, Luis. (2010) "Think Again: European Geostrategy." Available at: <http://europeangeostrategy.ideasoneurope.eu/2010/03/14/think-again-european-geostrategy>.
38. Schuman, Frederick L. (1942) "Let Us Learn Our Geopolitics," *Current History*, 2, 9: 161-165, Available at: <https://www.jstor.org/stable/45309562>.
39. Shamsini Ghiathvand, H; Farhand, M.B (2016). "Investigation of Relations between Iran and Azerbaijan; Challenges and Opportunities," *Studies of National Interests*, 3, 9: 55-27, at: [https://www.jnis.ir/article\\_65227.html](https://www.jnis.ir/article_65227.html). [In Persian]
40. Sören, Schilvin. (2019) "Geo-economics and geopolitics in sub-Saharan African power," In Mikael Wigell et al, eds. *Geo-economics and Power Politics in the 21st Century*, New York: Routledge.
41. STRATEGIECS Team. (2021), "Geostrategy in 21st Century," Available at: <https://strategiecs.com/en/analyses/geostrategy-in-21st-century> (Accessed 8 July 2024).
42. Valigholizadeh, A (2011). "Economic Importance of the Republic of Azerbaijan in the development of the Aras Free Zone", *Studies of*

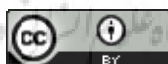


- Central Asia and the Caucasus, 73: 111-134, at: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/847784>. [In Persian]
43. Valigholizadeh, A (2014). "Explaining the Geo-economic Importance of the South Caucasus for the Economic Promotion of the Aras Free Zone," *Geopolitics*, 11, 37: 156-135, in: [https://journal.iag.ir/article\\_55838.html](https://journal.iag.ir/article_55838.html). [In Persian]
44. Valigholizadeh, A (2014). "Spatial-Geoeconomic Survey and Analysis of Iran's Business Relations with CIS," *Central Eurasia Studies*, 8, 2: 364-343, at: [https://jcep.ut.ac.ir/article\\_56857.html](https://jcep.ut.ac.ir/article_56857.html). [In Persian]
45. Valigholizadeh, A. (2011). *Pathology of relations between Iran and Azerbaijan*. Tehran: Tehran Institute of Contemporary Abrar Studies. [In Persian]
46. Veliyev, Cavid. (2021) "Building the Zangezur corridor, normalization in South Caucasus," Available at: <https://www.dailysabah.com/opinion/op-ed/building-the-zangezur-corridor-normalization-in-south-caucasus> (Accessed 10 July 2024).
47. Website of the President of Russia. (2020) "Заявление Президента Азербайджанской Республики, Премьер-министра Республики Армения и Президента Российской Федерации (Document: Full text of the agreement between the leaders of Russia, Armenia and Azerbaijan)," Available at: <http://kremlin.ru/events/president/news/64384> (Accessed 8 July 2024).
48. World Bank, [wits.worldbank.org](https://wits.worldbank.org). (Accessed 2 July 2024).

---

#### COPYRIGHTS

©2023 by the University of Tehran. Published by the University of Tehran Press. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>



پژوهش‌های ژئواستراتژیکی و مطالعات فرسنگی  
پرتال جامع علوم انسانی